

## ذره بین

## مرگ ۵ مسافر در اتوبان کاشان



اتوبوس محور تهران- زاهدان واژگون شد و پنج مسافر آن جان خود را از دست دادند. همچنین ۱۲ مسافر دیگر نیز راهی بیمارستان شدند.

حسین ریاحی، رئیس اورژانس کاشان، ضمن اشاره به تصادف اتوبوس محور تهران- زاهدان گفت: «با اعلام وصول این خبر عوامل اورژانس، هلال احمر و آتش نشانی بلافاصله به محل حادثه در ۶۰ کیلومتری به سمت کاشان اعزام شدند.»

او با بیان اینکه متأسفانه پنج نفر از مسافران این اتوبوس در صحنه حادثه فوت کردند، افزود: «این حادثه ۱۲ مصدوم داشت که حال دوفتر از مصدومان وخیم اعلام شده است. آنها سریعاً به مرکز درمانی شهر قم اعزام شدند. همچنین ۱۰ نفر دیگر با اتوبوس آمبولانس به مرکز بیمارستانی شهید بهشتی کاشان اعزام شدند. علت حادثه توسط پلیس راهور نیروی انتظامی در دست بررسی است.» همچنین روح‌الله فدایی، مدیر روابط عمومی آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری کاشان نیز با بیان اینکه با اعلام این حادثه عوامل آتش نشانی ایستگاه شماره سه با مرکز مشکات به محل حادثه اعزام شدند، گفت: «عوامل آتش نشانی به همراه عوامل هلال احمر به محل حادثه اعزام و نسبت به خروج مصدومان فوتی‌ها اقدام کردند.»

## اجاره یک روزه ملک برای دزدی‌های کلان

سارقان با آرمیوه مسموم توانستند ۸ میلیارد تومان از ۱۵ مالباخته به جیب بزنند

یک روزه واحدهای تجاری را اجاره می‌کردند و طعمه‌های خود را به بهانه‌های مختلف به این واحدها می‌کشاندند، بعد از آن نقشه اجرا می‌شد. آرمیوه مسموم و بی‌هوش کردن مالباختگان؛ سناریوی تکراری بسیاری از سارقانی که به راحتی می‌توانند دست به دزدی‌های کلان بزنند. این بار هم سه سارق با همین شگرد توانستند ۸ میلیارد تومان به جیب بزنند. آنها ۱۵ نفر را با این شیوه به دام انداختند. مالباختگانی که به بهانه خرید یا کارایی به محل‌های اجاره‌ای این دزدان می‌رفتند و دیگر چیزی به یاد نمی‌آورند جز خوردن یک آرمیوه. بیست‌ونهم مرداد ماه بود که پرونده‌ای با موضوع سرقت به شیوه بیهوشی تشکیل شد. در این پرونده زن جوانی به کلانتری ۱۲۴ قلپک مراجعه و شکایتی را مطرح کرد. پرونده به دستور قضائی برای رسیدگی تخصصی به پلیس آگاهی ارجاع داده شد و در اختیار دایره مبارزه با سرقت‌های خاص پایگاه سوم قرار گرفت. شاکي در شکایت خود به مأموران پلیس گفت: «برای خرید لباس به مزونی در یک مجتمع تجاری رفتم. متصدی مزون لباس به بهانه پذیرایی آرمیوه‌ای را به من تعارف کرد. با نوشیدن آرمیوه، اما بی‌هوش شدم. زمانی که به هوش آمدم، متوجه شدم اثری از مزون لباس نیست و خودرو، دو موبایل و بقیه وسایل مرا سرقت کرده‌اند.»

با اعلام این شکایت، تحقیقات در این باره آغاز شد. در تجسس‌های پلیسی مشخص شد که واحد تجاری مزون لباس اجاره‌ای بوده و متهم با مدارک جعلی واحد تجاری مزون لباس را اجاره کرده بود. در ادامه تحقیقات پلیسی مشخص شد که سارق یا سارقان در همان روز قرارداد اجاره را فسخ و مزون لباس را تخلیه کرده‌اند. ادامه تحقیقات پلیسی نشان داد که متهم با همکاری یک مرد و زن در این مزون فعالیت داشته است.

این درحالی بود که هنگام تحقیقات پلیسی پرونده‌های مشابه دیگری نیز به همین شیوه به بهانه‌های کارایی و اخذ مجوز موسسات به این پایگاه ارجاع شد. در تحقیقات میدانی از محل‌های وقوع سرقت، سرنخی از حضور یکی از مجرمان سابقه‌دار به نام قاسم به دست آمد.

در رصدهای اطلاعاتی کارآگاهان موفق شدند مخفیگاه قاسم را در حوالی اتوبان اشرفی اصفهانی شناسایی و با هماهنگی‌های قضائی او را روز هفدهم مهرماه در مخفیگاهش دستگیر کنند و برای ادامه تحقیقات پلیسی به پایگاه سوم انتقال دهند.

قاسم پس از دستگیری به ۱۵ سرقت با همدستی دو نفر از دوستانش به نام «سیامک» و «الناز» به شیوه بیهوش کردن شاکي در قالب مزون لباس، وعده کارایی و اخذ مجوزهای موسسات اعتراف کرد.

سرهنگ کارآگاه «قاسم دستخال» رئیس پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران با اشاره به اینکه متهم به ۸۰ میلیارد ریال سرقت از مالباختگان اعتراف کرد، گفت: «تاکنون ۱۰ نفر از شاکیان قاسم را سارق اموال خود معرفی کرده‌اند. با دستور قضائی متهم برای کشف زوایای پنهان پرونده و دستگیری دو همدست او در اختیار پایگاه سوم پلیس آگاهی قرار دارد.»



## گلایه‌های پدر آرمان غیائی از مشخص نشدن مقصر اصلی پرونده پسرش پس از یک سال

## در حسرت صعود



شود. به‌هرحال روزهای سختی بود. خودمان هم هنوز نتوانسته‌ایم به‌طور کامل روحیه خود را به دست آوریم، ولی آرمان از لحاظ روحی خیلی بهتر است.

## هنوز هم دلش می‌خواهد ورزش کند؟

آرمان عاشق ورزش است. از کودکی همین‌طور بود. دلش می‌خواست بیشتر ورزش‌ها را تجربه کند. الان هم همین‌طور است، دوست دارد شنا کند و اسکیتش را ادامه دهد، ولی متأسفانه نمی‌تواند، چون طحالش را از دست داده است. برایش سخت و غیرممکن است که ورزش کند. همین مسأله بیشتر از همه چیز ما را آزار می‌دهد. پسریم دوست دارد ورزش کند، ولی نمی‌تواند.

## از صخره‌نوردی حرفی نمی‌زند؟

حتی وقتی اسمش هم بیاید من و مادرش وحشت می‌کنیم، نمی‌توانیم فکر کنیم که دوباره چنین ورزشی را انجام دهد. به هیچ عنوان اجازه نمی‌دهم که دوباره سمت چنین ورزشی برود. هرچند از لحاظ جسمانی هم نمی‌تواند این کار را انجام دهد.

## حال روحی شما چطور است؟

یک‌سال گذشته است، ولی هنوز هم وقتی یاد این ماجرا می‌فتم، درست مثل روزهای اول حالم بد می‌شود. ضربه روحی سختی به خانواده ما وارد شد. زندگی‌مان از این رو به آن رو شد. چند روز پیش که سالگرد این ماجرا بود، من و همسریم دوباره حال‌مان بد شده بود. با اینکه برای درمان پسریم کلی هزینه کرده بودیم، اما خسارت روحی که به ما وارد شد، بیشتر اذیت‌مان کرد. فقط ای کاش مقصران اصلی این ماجرا شناخته و مجازات شوند، تا دوباره شاهد تکرار چنین فاجعه‌های نباشیم. خدا را شکر آرمان الان کنارمان است، گاهی وقتی فقط نگاهش می‌کنم، از خدا تشکر می‌کنم. از اینکه تنها فرزندم کنارمان است خوشحالم، ولی این ماجرا ضربه بدی به ما وارد کرد.



ندهد، چون ما خیلی عذاب کشیدیم. آن روزها وقتی تنها پسریم روی تخت بیمارستان بود و با مرگ دست‌وپنجه نرم می‌کرد، ما هم مردیم و زنده شدیم. تجربه سختی بود و دلم نمی‌خواهد برای خانواده دیگری تکرار شود.

## ان مقصر در این پرونده چه کسانی هستند؟

با تلاش‌های انجام‌شده در مرحله کارشناسی، هیأت پنج‌نفره از کارشناسان، بر تقصیر هیأت کوهنوردی نظر داشتند. اما هیأت کارشناسی هفت‌نفره در مرحله بعدی به تقصیر این هیأت معتقد نبود. با رأی صادره، حمایتگر آرمان ۵۰ درصد، مربی و مسئول برگزاری مسابقات ۳۵ درصد و مربی ناظر در محل مسابقه ۱۵ درصد مقصر شناخته شده‌اند. بنابر همین درصد‌های قصور، آنها مکلف به پرداخت دیه به خانواده آرمان هستند. در حال حاضر برای آرمان مبلغی دیه هم در نظر گرفته شده است. اما این دیه را نگرفته‌ام. من تمام هزینه‌های درمان آرمان را خودم پرداخت کردم. اگر این پرونده را پیگیری می‌کنم، به خاطر پول نیست، به خاطر این است که دوباره چنین حادثه‌ای رخ ندهد.

## حال آرمان الان چطور است؟

حال آرمان نسبت به زمانی که از بیمارستان مرخص شد، خیلی خوب است. آرمان در مدت زمان بستری در بیمارستان، به دلیل بی‌تحریکی و مسائل درمانی دیگر، با مشکل ضعف عضلات مواجه شده بود که وضعیتش خوب شد. الان حالش بد نیست. به صورت آنلاین درس می‌خواند و مثل قدیم‌ها شیپنت و بازی‌های کودکان‌اش را انجام می‌دهد، ولی به‌هرحال نقص عضو دارد.

## به یاد آن روز نمی‌افتد؟

سعی می‌کنیم اصلاً برایش یادآوری نکنیم. هرآرزاهای خودش صحبت می‌کند، ولی ما سریع حرف را عوض می‌کنیم. دل‌مان نمی‌خواهد یادش بیفتد و حالش بد

**[سیمافراهانی]** سال گذشته همین روزها بود. ۵۲ روز سخت برای خانواده غیائی به پایان رسید. آنها توانستند دوباره لبخند کودکشان را ببینند. معجزه رخ داده بود. آرمان هشت ساله روی تخت بیمارستان چشمانش را باز کرد. پسرک کوچکی که هنگام اجرای مسابقات صخره‌نوردی سقوط کرد و به کما رفت. شهریور ۹۸ بود که سقوط پسرپنجه هشت ساله، هنگام مسابقات سنگ‌نوردی از صخره‌ای، جامعه ورزشکاران و خانواده‌ها را سخت متأثر کرد. این ماجرا در سالن مسابقات غیراستاندارد در فولادشهر اصفهان رخ داد. خبر آن قدر متأثرکننده بود که شماری از خانواده‌های حاضر در محل مسابقه، طی نامه‌ای به یکی از نمایندگان اصفهان، خواستار رسیدگی جدی به پرونده شکایت صخره‌نورد کوچک و مجازات مقصران حادثه شدند. در این حادثه، قتل طناب حمایتی آرمان، در ارتفاع ۸ متری باز شد و در نهایت کودک هشت ساله، بر روی زمینی که به تشک ایمنی مجهز نبود، سقوط کرد. حالا درست یک‌سال از این ماجرا می‌گذرد. آرمان می‌خندد، راه می‌رود، برای خانواده‌اش شیرین‌زبانی می‌کند، ولی حتی اسم ورزش را که می‌آورد، لرزه بر اندام پدر و مادرش می‌افتد. پسرک عاشق ورزش است، ولی نمی‌تواند انجامش بدهد. طحال او را برداشته‌اند. نمی‌تواند ورزش کند. هنوز هم یادو خاطره تلخ آن روزها، هم آرمان را غمگین می‌کند و هم پدر و مادرش را؛ روز سالگرد این ماجرا تلخ پدر و مادر آرمان دوباره همان روزها برایشان تداغی شد. پدر آرمان حالا از ضربه روحی که به خانواده‌اش وارد شده بیشتر از همه چیز ناراحت است. گله دارد. از اینکه بالاخره مقصر اصلی این ماجرا مشخص نشد. از اینکه هیأت کوهنوردی استان اصفهان بی‌گناه شناخته شده است:

## یک سال از این ماجرا می‌گذرد، پرونده حال به کجا رسیده است؟

پرونده را بیشتر وکیل‌مان پیگیری می‌کند. فقط می‌دانم که مقصر اصلی ماجرا یعنی هیأت کوهنوردی استان هنوز اتهامی ندارد. در ابتدا ۱۰ درصد مقصر شناخته شد، ولی در کمیسیون هفت‌نفره در کل بی‌گناه شناخته شد. در صورتی که به اعتقاد من مقصر اصلی همین هیأت کوهنوردی است. او درباره چنین مسابقه‌ای که این همه تبلیغات داشت، اظهار بی‌اطلاعی کرد. چرا باید از این مسابقه هیچ اطلاعی نداشته باشد. در صورتی که از دو، سه هفته قبل، کلی تبلیغات می‌شد و ورزشکاران کوچک می‌خواستند در این مسابقه شرکت کنند. اما حالا این هیأت هیچ درصدی تقصیر ندارد. این مسأله واقعا مرا ناراحت و نگران کرده است. اگر پیگیری می‌کنم و می‌خواهم که مقصر اصلی شناخته شود، برای این است که دوباره چنین حادثه‌ای برای کودک دیگری رخ

## کلاهبرداران «رولکسی» را شناسایی کنید

اعضای این باند ساعت‌های قلابی را به عنوان ساعت اصل به مردم سراسر کشور می‌فروختند



دو نفر از اعضای باند ۶ نفره کلاهبرداران فروش ساعت‌های قلابی دستگیر شدند. پلیس از مردم خواست که تصویر این کلاهبرداران حرفه‌ای را شناسایی کنند. کلاهبردارانی که با چرب‌زبانی، رهگذاران خیابان‌ها را سرکیسه می‌کردند. آنها ساعت‌های تقلبی را به عنوان اصل می‌فروختند. این کلاهبرداران هر ساعت را به قیمت ۳۰۰ تا ۷۰۰ میلیون تومان به فروش می‌رسانند.

از چند وقت پیش اخبار و شکایات مختلفی از سراسر کشور به اداره ۱۴ پلیس آگاهی، ارجاع شد. در این شکایت‌ها مشخص شد که چند نفر با ته چهره‌های تبعه کشور افغانستان کلاه‌های قلابی را به‌عنوان کالای اصل ولوکس فروخته‌اند.

گزارش‌های اولیه نشان از این داشت که متهمان پس از شناسایی سوژه‌هایشان به بهانه پرسیدن آدرس ترمینال به مالباختگان نزدیک می‌شدند. آنها سر صحبت را باز کرده و ادعا می‌کردند که به علت نیاز مالی قصد فروش ساعت رولکس طلا دارند. بنابراین با همین حرف‌ها طعمه‌های خود را فریب و ساعت تقلبی را به قیمت گزافی به هموطنان می‌فروختند. پس از آن نیز متواری می‌شدند.

با توجه به گسترده بودن فعالیت تبهکاران در سراسر کشور، دستور دستگیری اعضای این باند توسط بازپرس دادسرای ناحیه ۶ تهران صادر شد. تیمی از کارآگاهان نیز به‌طور ویژه بررسی موضوع را برعهده گرفتند.

متهمان در هیچ‌یک از پرونده‌ها از هویت واقعی‌شان استفاده نکرده بودند. با این حال با تلاش مستمر کارآگاهان هویت واقعی یکی از اعضای باند به نام «سعید ۴۷ ساله» شناسایی شد. در ادامه تحقیقات مشخص شد او سابقه کلاهبرداری به همین شیوه شگرد در سال‌های اخیر دارد. او پس از آزادی از زندان با تشکیل باندی از شهروندان کلاهبرداری می‌کرد.

در ادامه تحقیقات پلیسی، کارآگاهان موفق شدند مخفیگاه سرکرده باند را در

محدوده جنوب تهران شناسایی کنند. در نهایت نیز پلیس با هماهنگی‌های قضائی بیست‌ویکم مهرماه، او را در یک عملیات به همراه یکی از اعضای باند به نام فرشید ۳۰ ساله دستگیر کرد. در بازرسی از مخفیگاه او دو قبضه سلاح گرم و سرد کشف شد.

پس از انتقال متهمان به اداره چهاردهم، در همان بدو ورود یکی از شاکیان هر دو متهم را شناسایی کرد. بنابراین متهمان به ناچار به جرم ارتكابی اعتراف کردند.

سرکرده باند «سعید» در اعترافاتش گفت: «من و همدست دیگریم پس از دوسال قبل از زندان آزاد شدیم. پس از آزادی یک باند ۶ نفره تشکیل دادیم. ما با پرسه‌زنی در سطح شهر تهران و شهرستان‌های دیگر کشور، افراد سالخورده را که از وضع مالی خوبی برخوردار بودند، شناسایی می‌کردیم. بعد به بهانه پرسیدن آدرس ترمینال به آنان نزدیک می‌شدیم. بعد از آن می‌فقتیم به دلیل نیاز مالی شدید «ساعت طلا رولکس» گران‌قیمت را زیر قیمت بازار می‌فروشیم. پس از اغفال سوژه، ساعت قلابی را به قیمت ۳۰۰ تا ۷۰۰ میلیون تومان به آنان می‌فروختیم، سپس متواری می‌شدیم.»

سرهنگ «داود فرد» جانشین پلیس آگاهی تهران با اشاره به دستور بازپرس پرونده مبنی بر انتشار چهره متهمان به منظور کشف سایر جرایم ارتكابی، گفت: «تاکنون ۱۵ نفر از مالباختگان در سراسر کشور شناسایی شده‌اند.»

او با بیان اینکه دستگیری سایر اعضای این باند ۶ نفره در دستور کار قرار دارد، از شهروندان خواست: «در صورتی که با سابقه کلاهبرداری شده است، می‌توانند برای شناسایی تبهکاران و تشکیل پرونده به اداره چهاردهم پلیس آگاهی تهران بزرگ مراجعه کنند.»